

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سندت پژوهش‌های

به نام خدا

مشور اخلاق پژوهش

یادری از خداوند سبحان و اعتماد بر این که عالم محضر خداست و شماره نامگر بر احوال انسان و به مشور پاس داشت تمام بلند دانش و پژوهش و نظریه ایت
بیاگاه دانشگاه اسلامی خرمک و تمدن بشری، یاد انجمن و احسنه بیات علمی و انسانی دانشگاه آزاد اسلامی مشهدی که در حرم اصول زیر را در انجام
فعالیت‌های پژوهشی در نظر قرار داده و از آن تخطی نکنیم:

- ۱- اصل برانست: التزام بر برانست چلی از حرکت و نقد غیر خدای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به سلب‌های غیر علمی می‌آیند
- ۲- اصل رعایت انصاف و امانت: تمهید به اجتناب از حرکت جانب داری غیر علمی و رعایت از اسوال، تجزیهات و مناج در اختیار.
- ۳- اصل ترویج: تمهید به رواج دانش و امانت نتایج تحقیقات و انتقال آن به همکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.
- ۴- اصل احترام: تمهید به رعایت حریم مادی حرمت آثار انجام تحقیقات در رعایت جانب تعدد خودداری از حرکت حرمت شکنی.
- ۵- اصل رعایت حقوق: التزام بر رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهشگران (انسان، حیوان و نبات و سایر صاحبان حق).
- ۶- اصل رازداری: تمهید به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد سازمان آذکسور و کلیه افراد و نهادهای مرتبط با تحقیق.
- ۷- اصل حقیقت‌جویی: تلاش در راستای پی‌جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از حرکت پنهان سازی حقیقت.
- ۸- اصل مالکیت مادی و معنوی: تمهید به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه همکاران پژوهش.
- ۹- اصل منافع علمی: تمهید به رعایت منافع علمی و در نظر داشتن به پیشبرد توسعه کشور و کلیه مراحل پژوهش.



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران مرکزی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، گروه فلسفه و حکمت اسلامی

(M.A) پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

گرایش: فلسفه و حکمت اسلامی

عنوان :

مقایسه معاد شناسی علامه محمد حسین حسینی طهرانی و

آیت الله شیخ مجتبی قزوینی

استاد راهنما:

دکتر موسی ملایری

استاد مشاور:

دکتر نفیسه فیاض بخش

پژوهشگر:

سمیه رضا سلطانی

زمستان ۱۳۹۱

تقدیم بہ روح بزرگوار برادرم

تقدیم بہ وجود عزیز پدر و مادرم

تقدیر و تشکر

سپاس به درگاه ایزدمنان که به لطف و رحمت خود به مخلوقاتش قدرت اندیشه و تفحص بخشید
و راه ترقی و پیشرفت را فراسوی آنان گشود و با اعطای برکات خود توفیق چیدن خوشه ای از
خرمن علم را به بنده حقیرش عطا فرمود.

و با سپاس فراوان از حضور محترم جناب آقای دکتر موسی ملایری که به عنوان استاد راهنما
در کلیه مراحل تدوین و نگارش صبورانه من را مورد عنایت قرار داده اند این مجموعه
گردآوری شده را به محضراشان تقدیم می دارم.

با سپاسگزاری فراوان از سرکار خانم دکتر نفیسه فیاض بخش که مشاوره های ارزشمندی را در راستای
انجام این پایان نامه به اینجانب ارائه نموده اند. همچنین از جناب آقای دکتر خودی که داور سی این
پایان نامه را بر عهده گرفتند، نهایت تشکر و قدردانی را دارم.

تعهذنامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب سمیه رضا سلطانی دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجویی ۸۹۰۶۶۲۸۸۰۰۰ در رشته الهیات و معارف اسلامی گرایش فلسفه و حکمت اسلامی که در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۹ از پایان نامه خود تحت عنوان: مقایسه معادشناسی علامه محمد حسین حسینی طهرانی و شیخ مجتبی قزوینی با کسب نمره ۱۸ و با درجه عالی دفاع نموده ام، بدینوسیله متعهد می شوم:

- ۱- این پایان نامه، حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست، ذکر و درج کرده ام.
- ۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
- ۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه را داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد، مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.
- ۴- چنانچه در هر مقطع زمانی، خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچ گونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی: سمیه طهرانی

تاریخ و امضاء ۹ / ۱۱ / ۹۱

بسمه تعالی

در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۹

دانشجوی کارشناسی ارشد خانم سمیه رضا سلطانی از پایان نامه

خود دفاع نموده و با نمره ۱۸۱- به حروف حده و با

درجه ع مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

علی

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

چکیده

فصل اول (کلیات تحقیق)

۲.....	مقدمه
۳.....	ضرورت ها و اهداف تحقیق
۴.....	سئوالات و فرضیه های تحقیق
۴.....	زندگینامه مجتبی قزوینی
۷.....	زندگی نامه علامه طهرانی
۱۱.....	معانی معاد
۱۲.....	مکتب تفکیک

فصل دوم (معاد از دیدگاه شیخ مجتبی قزوینی)

۱۷.....	تعریف روح
۱۸.....	دیدگاه شیخ مجتبی قزوینی درباره حقیقت روح
۲۱.....	غیریت روح با بدن
۲۳.....	استنباط تفکیکیها از مکتب اهل بیت درباره عدم تجرد نفس
۲۴.....	دلایل تجرد روح از دیدگاه فلاسفه
۲۶.....	نقد ادله تجرد نفس
۲۹.....	دیدگاه قزوینی درباره معاد جسمانی و روحانی
۲۹.....	اصل اول: حدود عالم و کیفیت خلقت آن
۳۲.....	اصل دوم: خلقت انسان و عوالم آن
۳۵.....	اصل سوم: پیرامون خلقت حضرت آدم

۳۷ اصل چهارم: پیرامون تناسخ
۴۰ اصل پنجم: امکان از بین رفتن عالم مشهود و تشکیل عالم جسمانی دیگر
۴۳ اثبات معاد جسمانی و روحانی از دیدگاه قرآن
۴۶ بیان مدعی
۴۷ دلیل بر مدعی
۴۹ کیفیت و چگونگی معاد
۵۵ تقسیم بندی آیات راجع به معاد قرآنی
۵۶ برزخ
۵۶ تعریف برزخ
۵۷ نظریه اول: نظریه بدن دنیوی
۵۷ نظریه دوم: نظریه بدن مثالی
۵۸ نظریه سوم: نظریه ثبوت بدن برزخی
۵۹ نظریه چهارم: تجرد روح
۵۹ نظریه پنجم: انکار بدن برزخی
۶۰ نظریه مستفاد از روایات
۶۳ عالم برزخ از دیدگاه شیخ مجتبی قزوینی
۶۵ اصول معاد صدرايي
۷۶ شبهات معاد جسمانی
۸۳ چکیده ی فصل

فصل سوم: معاد از نظر علامه طهرانی

۸۷ نظر علامه درباره نفس
۸۹ کیفیت تاثیر موجودات مثالی در عالم طبع و ماده

۹۴	دیدگاه علامه درباره تجرد یا عدم تجرد نفس
۹۵	مراحل سه گانه ی وجود انسان
۹۷	ادراک تدریج زمان و عدم ادراک آن برحسب تجرد نفس
۹۸	آراء مختلف درباره معاد
۱۰۰	صورت برزخی
۱۰۱	تعریف علامه از معاد جسمانی
۱۰۲	اثبات معاد جسمانی
۱۰۴	ادله ی عقلی
۱۰۷	نتیجه گیری
۱۰۸	ابن سینا و اثبات معاد
۱۱۱	شباهت معاد جسمانی
۱۱۲	شبهه ی آکل و ماکول
۱۱۳	پاسخ متکلمین به شبهه ی آکل و ماکول
۱۱۶	پاسخ علامه به شبهه ی آکل و ماکول
۱۲۲	دیدگاه علامه طهرانی درباره ی برزخ
۱۲۲	خصوصیات عالم برزخ
۱۲۸	شکل مخروطی عالم
۱۲۹	اثبات عالم برزخ
۱۳۳	نسبت سعه عالم برزخ به دنیا و عالم قیامت به برزخ
۱۳۴	عوامل سه گانه انسان، بدن، ذهن، نفس
۱۳۶	عدم رجوع اهل برزخ به دنیا
۱۳۷	چکیده ی فصل

۱۴۲ فصل چهارم (مقایسه)

۱۴۷ فهرست منابع و مآخذ

چکیده

در این پایان نامه به مقایسه ی دیدگاه علامه محمد حسین حسینی طهرانی و شیخ مجتبی قزوینی درباره ی معاد پرداخته ایم در فصل اول کلیات تحقیق آورده شده است که درباره ی زندگی نامه ی قزوینی و علامه طهرانی، تعریف معاد، و معرفی مکتب تفکیک مطالبی را آورده ایم.

در فصل دوم نظرات شیخ مجتبی قزوینی درباره ی معاد، برزخ، حقیقت نفس، شبهات وارد بر معاد جسمانی و پاسخهای وی به آنها را بیان کرده ایم.

در فصل سوم نظرات علامه طهرانی درباره ی معاد، برزخ و نفس و شبهات وارد بر معاد جسمانی و پاسخهای علامه به آنها را آورده ایم.

و در فصل چهارم به تطبیق و بررسی تفکرات علامه و شیخ مجتبی قزوینی پرداخته ایم در آخر هم ذکر منابع موجود است نتیجه ی حاصل از تحقیق این است که شیخ مجتبی قزوینی با نقد نظریه ی صدرا و اینکه حشر عنصری همین بدن دنیوی از ضروریات اسلام است معاد جسمانی عنصری را اثبات می کند وی جهت تبیین معاد جسمانی و روحانی پنج اصل مقدماتی ارائه می دهد که عبارتند از حدوث عالم، خلقت انسان و عوالم آن، خلقت حضرت آدم (ع)، ابطال تناسخ و امکان خراب عالم و در مقابل او علامه طهرانی موافق با نظریه ی صدرا بوده و معاد مثالی را قبول می کند وی اگر چه به معاد قرآنی اذعان می کند اما آن را با معاد مثالی ملاصدرا منطبق می بیند.

واژگان کلیدی: معاد، شیخ مجتبی قزوینی، علامه طهرانی، معاد جسمانی، معاد مثالی

فصل اول

(کلیات تحقیق)

مقدمه:

همه ی ادیان در این نکته متفق القولند که مرگ، پایان حیات انسان نیست مصریان باستان اجساد مومیایی شده ی اشراف را همراه با غذا و اشیاء قیمتی ضروری برای سفر به حیات دیگر در مقبره هایی می نهادند که با مجسمه ها یا تصاویر خدای آن جهان تزیین شده بود پیروان کنفسیوس و ادیان سنتی آفریقا با مراسمی که بر مزار نیاکان خود یا در مکانهای مقدس برگزار می کنند از آنها یاد می کنند و ارواحشان را تسلی می دهند اما هندوها و بودایی ها به کارما و تناسخ قائل هستند در قرآن که ۱۱۳ بار از واژه ی آخرت استفاده شده مکرراً درباره ی معاد و داوری بحث شده است اعتقاد به زندگی پس از مرگ مکمل اصل توحید می باشد و یکی از ارکان پنج گانه ی اصول اعتقادی مذهب تشیع لحاظ می شود معاد را می توان قوی ترین اصل اعتقادی دانست که انسان در طول مدت زندگی دنیویش به کرات - با مرگ انسانهای دیگر- به یاد آن می افتد و کنجکاویش را در مورد حیات پس از مرگ بیشتر می کند این که انسان در حیات پس از مرگ با چه مسائل و با چه کیفیتی مواجه خواهد بود از مسائل مبهم و دور از دسترس برای بشر بوده است زیرا انسان از طریق ابزار شناختی ای که دارد نمی تواند آنرا در این دنیا تجربه کند و عقل انسان تا محدوده ی خاصی (اثبات امکان معاد و اثبات روح) توانایی شناخت و کنکاش در این رابطه را دارد و در آنچه که مربوط به حیات پس از مرگ می باشد ضعف و نارسایی خود را نشان می دهد در اینجاست که به اهمیت بحث حیات پس از مرگ پی برده بر خود لازم می دانیم آن را مورد بررسی قرار دهیم.

ضرورت ها و اهداف تحقیق

اصل معاد با سایر اصول دینی از جهتی تفاوت دارد زیرا آنطوری که توحید و نبوت با دلایل عقلی ثابت می شود نمی توان برای تمام جزئیات و چگونگی معاد که خرد آدمی راهی به ادراک آن ندارد استدلال عقلی نمود اگرچه اصل معاد و لزوم بازگشت بشر برای رسیدن به نتیجه ی اعمال و کردارش به حکم عقل ثابت و غیر قابل انکار است ولی مراحل سیر انسان در قبر و برزخ و قیامت از محدوده ی ادراک عقل بیرون است و قواعد فلسفی و براهین و استدلالات عقلی در این مورد نه تنها اطمینان آور نیست بلکه بیراه و نارواست بنابراین ضرورت گوش فرا دادن و تسلیم شدن در برابر آیات الهی که با دلایل قطعی ثابت شده و نیز گفتار سفیران و حجج بر حق خداوند که حقانیتشان در جای خود مبرهن گردیده است، آشکار می شود بنابراین در بحث معاد تسلیم کلام آفریدگار می شویم که از نظام اخروی و حقایق آن آگاه است و ما را از آن مطلع می کند در رابطه با معاد کتابهای زیادی نوشته شده است و بیشتر آنها ناظر به بعد اخلاقی معاد می باشد آنچه در رابطه با معاد مورد ملاحظه قرار نگرفته است و ضرورت و اهمیت این تحقیق از آن ناشی می شود پژوهش های مقایسه ای معاد می باشد هدف این پایان نامه بررسی مسئله ی معاد از نظر شیخ مجتبی قزوینی و علامه طهرانی و مقایسه ی دیدگاههای این دو اندیشمند بزرگوار با هم می باشد امید آن می رود که هر چه بیشتر مورد توجه اهل تحقیق و پژوهش قرار گیرد.

سوالات و فرضیه های تحقیق

سوالات

- ۱) آراء شیخ مجتبی قزوینی درباره ی معاد چیست؟
- ۲) آراء علامه طهرانی درباره ی معاد چیست؟
- ۳) اشتراکات و افتراقات آنها کدام است؟

فرضیه ها

۱) قزوینی معاد قرآنی را جسمانی و روحانی دانسته و قائل به عدم تجرد نفس می باشد و به همین علت بدن برزخی را جسمانی دانسته و بنا بر عقیده ی وی در روز حشر، ارواح تمام مردم به اجساد عنصری آنها بازگشت می کند.

۲) علامه طهرانی معاد را جسمانی و روحانی دانسته و قائل به تجرد نفس می باشد وی بدن برزخی را مثالی دانسته و بر این باور بود که عالم برزخ بر عالم ماده احاطه دارد و الان هم هست نه اینکه بعداً به دنبال زمانی این عالم بوجود بیاید و بدن معاد را مثالی دانسته و می گفت بدن معاد یافته این جسم مادی طبیعی نیست.

۳) ایندو در اینکه می گفتند معاد هم جسمانی است وهم روحانی با هم اشتراک داشتند و در اعتقاد به مجرد یا مادی بودن نفس با هم اختلاف داشتند علامه قائل به تجرد نفس و قزوینی قائل به جسمانیت نفس بود قزوینی بدن برزخی را جسمانی و علامه بدن برزخی را مثالی می دانست.

زندگی نامه ی شیخ مجتبی قزوینی

آیت الله حاج شیخ مجتبی قزوینی خراسانی (ره) فرزند حجت الاسلام والمسلمین، آقاشیخ احمد تنکابنی در سال ۱۳۱۸ هجری قمری در قزوین، در خاندانی اهل علم و تقوا از مادری صالحه متولد شد این بانو دختر مرحوم آیت الله شیخ محمد تنکابنی مولف فوائد العسکریه می باشد وی علوم مقدماتی را در قزوین فرا گرفت و حدوداً در عنفوان جوانی به همراه پدر برای ادامه تحصیل راهی نجف شد و تقریباً مدت هفت سال از محضر بزرگانی چون حضرات آیات عظام: سید محمد کاظم یزدی و میرزا محمد تقی شیرازی و زمانی را هم از محضر میرزای نایینی بهره های علمی فراوان برد سپس به زادگاه خویش برگشت و مدتی را نزد سید موسی زر آبادی به کسب علوم باطنی پرداخت و با ارشاد آن عالم کم نظیر و ریاضات شرعیه به مقاماتی رسید که با درس و بحث مدرسه بدست نمی آید آن گاه به قم عزیمت کرد و در آن کانون علم از محضر آیت الله شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه ی علمیه ی قم بهره ها برد و موفق به کسب اجازه ی اجتهاد از معظم له گشت هم چنین به مدت

یکسال هم از محضر آیت الله العظمی بروجردی در شهر بروجرد کسب فیض نمود سپس راهی دیار رضوی گردید و در آن روزگار که حوزه ی مشهد مقدس استوانه های علمی گرانمایه ای را در خود جای داده بود شیخ استاد از بزرگانی هم چون آقا بزرگ حکیم شهیدی، میرزا محمدآقازاده کفایی خراسانی، آقا شیخ اسد الله عارف یزدی، آقا شیخ موسی خوانساری، مرحوم آیت الله حاج آقا حسین قمی در فقه و اصول و حکمت بهره های فراوانی برد و پس از ورود حضرت آیت الله میرزا مهدی اصفهانی به مشهد مقدس از محضر این یگانه ی قرآنی آموزه های معارف و حیانی خود را که از مرحوم زرابادی دریافت نموده بود به کمال رساند او با درک محضر این بزرگان، در فلسفه و فقه و اصول و معارف قرآن و حدیث تسلطی کامل یافت و قریب به چهل سال بر کرسی تدریس به تربیت شاگردان پرداخت و افزون بر تدریس سطح و خارج فقه و اصول به مبانی اخلاق و معرفه النفس انسانی بی توجه نبود و در مباحث فلسفی ورود و خروج پاکیزه ای داشت (قزوینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۳-۱۲) وی سومین رکن از سه رکن بزرگ مکتب تفکیک و یکی از عالمانی بود که عمر شریف خود را در راه ترویج معارف اهل بیت گذراند و چون ایشان از علمای مکتب تفکیکند ما در صفحات بعد در مورد مکتب تفکیک و روش فکری این مکتب توضیحاتی را ارائه خواهیم داد.

شاگردان شیخ مجتبی قزوینی: محمد باقرملکی میانجی، سید علی حسینی سیستانی، ابوالقاسم خزعلی، سید عباس سیدان، سید جواد سیدان، محمد واعظ زاده خراسانی، عبدالنبی کجوری، محمد رضا سعیدی، سید محمد مجتهدی، اسماعیل فردوسی پور، محمد حکیمی، علی حکیمی، محمد مهدی رکنی یزدی، علی نوروزی، مهدی مروارید، محمد رضا دهشت، سیدعلی خامنه ای، عباس واعظ طبسی، حبیب اله احمدی قزوینی فرزند ایشان.

فعالتهای سیاسی مجتبی قزوینی: شیخ مجتبی قزوینی در تکالیف سیاسی در موقع لزوم اقدام می کرد نخستین تلاش سیاسی اش به اواخر سال ۱۳۳۰ مربوط می شود که به همراه تنی چند از روحانیون مشهد، از سوی روحانیت برای تعیین نمایندگان این صنف در مجلس شورای ملی، در دوره ی ۱۷ به عنوان ابراز تنفر و اعتراض دستور داد ائمه ی جماعات مسجد گوهرشاد و سایر مساجد، نماز

جماعت را تعطیل کنند و خود در اعتراض به بازداشت امام خمینی از مشهد به تهران آمد و به جمع روحانیون معترض به بازداشت او پیوست.

مکتوبات مجتبی قزوینی:

(۱) بیان الفرقان: این مجموعه در پنج جلد نگارش یافته و هر یک از مجلدات آن به یکی از مباحث مهم اعتقادی اختصاص دارد.

جلد اول: در توحید قرآنی و تفاوت آن با توحید به اصطلاح فلسفی و عرفانی است به نام «بیان الفرقان فی توحید القرآن». وی در این کتاب ضمن اثبات وجود خدا راه مطالعه آیات آفاقی و انفسی، دیدگاه های مادیون را در زمینه روح شناسی ارزیابی می کند و شبهات زیادی را پاسخ می دهد و به دنبال آن بحث دقیقی در چگونگی حصول علم دارد و هشت بحث ابتکاری قرآنی را بر توحید قرآنی متفرع می کند.

جلد دوم: در وحی و نبوت از منظر قرآن و پاسخ به شبهات منکرین نبوت و بیان حقیقت و اعجاز قرآن و تبیین جهات کمالیه ی قرآن به نام «بیان الفرقان فی نبوه القرآن» است.

جلد سوم: در معاد قرآنی به نام «بیان الفرقان فی معاد القرآن» است که متفاوت با معاد عرفانی و فلسفی می باشد و تألیفات عرفا و فلاسفه را در این زمینه به نقد می کشد و در این جلد، پنج اصل مهم را در تمهید معاد قرآنی بیان کرده است.

جلد چهارم: در تبیین عصمت و امامت است و به نقد کتاب «القسطاس المستقیم، ابو حامد غزالی» اختصاص داده، و نام آن را «بیان الفرقان فی میزان القرآن» نهاده است.

جلد پنجم: در بیان غیبت، رجعت و شفاعت است و اخباری که در آنها به امامت ائمه ی دوازده گانه تصریح دارد و روایاتی که در مورد شخص حضرت مهدی (عج) وارد شده دسته بندی و شرح نموده و به اشکالات فلسفی، حجت و شبهات وهابیت در مورد شفاعت پاسخ داده است.

(۲) رساله ای در معرفه النفس شامل:

الف: بیان نظریه ی ارسطویی و نقد آن

ب: بیان نظریه ی (مادیة الحدوث بودن نفس) و نقد آن

ج: بیان نظریه ماده گرایان از جمله دکتر تقی آرانی درباره ی نفس و رد مستدل آن

د: تبیین معرفه النفس قرآنی

۳) رساله ای در نقد اصول یازده گانه ی ملاصدرای شیرازی در مبانی حکمت متعالیه درباره ی

معاد جسمانی

۴) رساله هایی در برخی علوم غریبه

رحلت: آیت الله شیخ مجتبی قزوینی در ۲۲ ذی الحجه سال ۱۳۸۶ قمری دیده از جهان فرو بست

پیکرش در حرم علی ابن موسی الرضا در صحن عتیق (انقلاب فعلی) به خاک سپرده شد قبر ایشان

در طبقه ی پایین این صحن واقع در دارالاجابه، پذیرای سیل مشتاقان و زائران حضرت رضا (ع)

است (قزوینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۴-۲۰).

زندگی نامه حضرت علامه آیت الله سید محمد حسین حسینی تهرانی

حضرت علامه آیت الله حسینی تهرانی در سال ۱۳۴۵ ق دیده به جهان گشود پدر ایشان مرحوم

آیت الله حاج سید محمد صادق که از شاگردان آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی و هم بحث مرحوم

آیت الله سید عبدالهادی شیرازی بود انسانی بصیر و غیور و حافظ فرهنگ الهی و سنت نبوی و از

بارزین در حفظ تدین در برابر دستگاه رضا خان پهلوی بوده یکی از چهار عالم سرشناس تهران به

شمار می رفت مرحوم علامه تهرانی با سرپرستی این پدر، دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه ی

خود را در رشته ی مکانیک و ماشین سازی سپری نمود پس از اتمام تحصیلات با وجود پیشنهادات

بسیار برای ادامه ی تحصیلات در خارج و پذیرش مسئولیتهای گوناگون در رشته ی

تخصصی، تحصیل علوم توحیدی و قرآنی را انتخاب نموده و راه طلبگی را پیش گرفت و به دست

مرحوم آیت الله میرزا محمد تهرانی صاحب مستدرک البحار که از اعظام عصر و دایی پدری او بود

در مشهد مقدس منلخ به لباس تقوا و علم گردید و در سال ۱۳۶۴ قمری به شهر قم مشرف شد و در

مدرسه ی مرحوم آیت الله حجت مشغول تحصیل گردید و در آنجا با علامه طباطبائی آشنا شد مرحوم

علامه حسینی طهرانی از خواص شاگردان علامه طباطبایی شد و ایشان در کتاب «مهتابان» که یادنامه ی علامه طباطبایی است اینگونه نوشته اند:

«حقاً اگر به چنین مردی برخورد نکرده بودیم خسرالدنیا و الاخره دستمان از همه چیز خالی بود» ایشان مدت هفت سال را در شهر قم برای فهم دین سپری کرد و در سطوح مختلف از اساتید مبرز و متخلق به اخلاق الهی هم چون مرحوم آیت الله حاج سیدرضا بهاءالدینی، مرحوم حاج شیخ عبدالجواد سهی، مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری، آیت الله سیدمحمد حجت، آیت الله سید محمد داماد و مرحوم آیت الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی استفاده‌های شایانی برد در سال ۱۳۷۰ قمری به سفارش علامه طباطبایی و شهید شیخ محمد صدوقی یزدی راهی دیار نورانی امیر المومنین علی (ع) شد و در آنجا به محضر مرحوم آیت الله حاج شیخ حسین حلی راه یافته، راه خود را در فقه و اصول ادامه داد در درس مرحوم آیت الله خویی و مرحوم آیت الله حاج سید محمود شاهرودی و مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی نیز شرکت کرده از شاگردان آنها گردید انس و مراوده با مرحوم آیت الله حاج سید جمال الدین گلپایگانی نیز موجب تقویت در مسیر عرفانی بود در سال ۱۳۷۷ قمری پس از اتمام تحصیلات و تخصص در علوم عقلی و نقلی و معارف، به جهت اداء تکلیف و اقامه شعائر دین به طهران بازگشت و در مسجد قائم، خیابان سعدی که مسجد مرحوم پدرشان بود به احیاء دین و تربیت نفوس مستعدہ پرداخت زحمات و تدابیر مرحوم علامه تهرانی در تحکیم بنیان‌های حاکمیت دین و احیاء معارف الهیه و تلاش در تثبیت محورهای اساسی شرع هم چون طرح حکومت اسلام، ولایت فقیه، نماز جمعه، نیروی مقاومت ملی، الگوهای اسلام برای لباس، حجاب، ازدواج، تاریخ، تقویم، ساعت، آموزش و ... کوشید و ایشان پس از ۲۴ سال تلاش در طهران در سال ۱۴۰۰ قمری به آستان علی بن موسی الرضا(ع) مشرف شدند در مدت ۱۶ سال اقامت در مشهد دوره ی علوم و معارف اسلام را در قالب ۱۹ عنوان در ۵۲ جلد و در بیش از ۲۰ هزار صفحه به رشته ی تألیف درآورد و در پرورش طلب مزین به علم و عمل اهتمام نمود مرحوم آیت الله حاج سید احمد خوانساری از ایشان به عنوان فخر عالم اسلام یاد می نمود و علامه طباطبایی او را پاسدار حکم تشیع نامید و مرحوم حدّاد به سیدالطائفین ملقب فرمود سرانجام علامه طهرانی در نهم صفر